

اگر نیچه نهنک شاخدار بود

آنچه هوش حیوان درباره‌ی حماقت بشر برملا می‌کند

جاستین گرگ

ترجمه‌ی رؤیا مهرگان راد



نشر سنگ

www.ketab.ir

www.ketab.ir



نشان استاندارد بین‌المللی محیط زیست کاغذ بالک FSC

برای تولید این کاغذ، فرایند شیمیایی انجام نمی‌گیرد، دوباره به چرخه‌ی طبیعت بازمی‌گردد و محیط زیست را آلوده نمی‌کند.

سرشناسه: گرگ، جاستین، ۱۹۷۵-م. Gregg, Justin, 1975-

عنوان و نام پدیدآور: اگر نیچه نهنگ شاخدار بود: آنچه هوش حیوان دریاهای حماقت بشر برملا می‌کند
جاستین گرگ؛ ترجمه‌ی رؤیا مهرگان راد.

مشخصات نشر: تهران: نشر سنگ، ۱۴۰۱. / مشخصات ظاهری: ۲۴۸ص. / شابک: 978-622-7383-28-7

یادداشت: عنوان اصلی: If Nietzsche were a narwhal: what animal intelligence reveals about human stupidity, 2022.

موضوع: هوش / هوش حیوان‌ها / انسان و حیوان — جنبه‌های روان‌شناسی

Animal intelligence – Human-animal relationships – Psychological aspects

شناسه افزوده: مهرگان‌راد، رویا، ۱۳۶۰- مترجم

رده‌بندی کنگره: BF۴۳۱ / رده‌بندی دیویی: ۱۵۳۸ / شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۹۰۶۸۱۶۵



سایت نشر سنگ:

www.sangpublication.ir

نشر سنگ در فضای مجازی:

@sangpublication

پست الکترونیک نشر سنگ:

sangpublication@gmail.com

شماره‌ی تماس و واتس‌اپ: ۰۹۳۸ ۱۹۴ ۲۸۷۰

اگر نیچه نهنگ شاخدار بود

فلسفه برای زندگی امروز - ۱۲

نویسنده: جاستین گرگ

مترجم: رؤیا مهرگان راد

طراح جلد: پریا محمدی

ناشر: سنگ

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۳-۲۸-۷

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر سنگ است.

فهرست

۹.....	مقدمه.....
۲۲.....	پرسشگرها: ماجرای کلاه، شرط بندی ها و ماتحت خروس.....
۶۰.....	صادق بودن: قدرت و ضعف دروغگویی.....
۹۳.....	مرگ آگاهی: ایراد آگاهی از آینده.....
۱۲۰.....	بار گناهان گذشته مان: معضل اصول اخلاقی انسان.....
۱۴۷.....	راز زنبور شاد: وقت آن رسیده که از خط قرمزها حرف بزنیم.....
۱۷۸.....	دوراندیشی سطحی: سطحی نگری ما در پیش بینی آینده.....
۲۰۸.....	انحصارگرایی انسان: آیا ما برنده می شویم؟.....
۲۴۰.....	کلام آخر: چرا باید حلزون ها را نجات دهیم؟.....

مقدمه

فردریش ویلهلم نیچه (۱۸۴۴ تا ۱۹۰۰) سیلی پرپشت داشت و رابطه‌ای عجیب با حیوانات. از یک سو، دلش برای حیوانات می‌سوخت، چون همان طور که در کتاب «مراقبه‌های نابهنگام» نوشته بود، آن‌ها «کور کورانه و دیوانه‌وار، بدون هیچ هدف دیگری به زندگی می‌چسبند... با همه‌ی امیال منحرف ابلهان».

او معتقد بود حیوانات در سراسر زندگی‌شان سردرگمند بی‌آن که بدانند چه می‌کنند یا علت کارشان چیست. از آن بدتر این که معتقد بود حیوانات از هوش کافی برای تجربه‌ی لذت یا رنج با همان شدت و حدتی که انسان‌ها با آن مواجه می‌شوند بی‌بهره‌اند. از نظر فیلسوف اگزیستانسیالیستی مثل نیچه این یک بدياری تمام‌عیار بود؛ آخر، تمام هنر نیچه یافتن معنا در رنج بود. از طرفی، او به بی‌خیالی حیوانات نیز حسادت می‌کرد، در جایی می‌نویسد:

«به گاوها نگاه کنید که از کنارشان رد می‌شوند و می‌چرند: آن‌ها نمی‌دانند منظور از دیروز یا امروز چیست، جست‌وخیز می‌کنند، می‌خورند، لم می‌دهند، نشخوار می‌کنند، باز جست‌وخیز می‌کنند. بنابراین هر روز از صبح تا شب دریند لحظه و خوشی و ناخوشی‌اش هستند و برای همین دچار پریشانی و بی‌حوصلگی نمی‌شوند. دیدن این منظره برای انسان سخت است، چون او با این که فکر می‌کند به واسطه‌ی انسان بودن از حیوانات بهتر است، نمی‌تواند به خوشبختی‌شان حسادت نکند.»